

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

دستور ابلاغ ولایت

۹

مخالفت علمای اهل سنت

۲۵ آبان ۱۳۹۰

۱۹ ذی الحجة ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### قرآن و واقعه‌ی غدیر

در سال‌های قبل، در مورد واقعه‌ی غدیر و اثبات آن، مباحث مفصلی مطرح کردیم. در این جلسه، از دیدگاه دیگری، این رخداد بزرگ و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در این راستا به آیاتی از قرآن کریم و روایات فریقین استناد می‌جوئیم. آیاتی که در مورد واقعه‌ی غدیر، بر رسول خدا ﷺ نازل شده است، عبارت‌اند از:

۱. ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴾ (۱).

ای پیامبر ﷺ! آنچه (از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً) (به مردم) برسان! و اگر چنین نکنی، رسالت او را

انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.

۲. ﴿الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (۱).

امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مایوس شدند؛ بنابراین از آنها نترسید و از (مخالفت) من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

۳. ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ \* لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ \* مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ﴾ (۲).

تقاضا کننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد \* این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند \* از سوی خداوند ذی المعارج [خداوندی که فرشتگان‌اش بر آسمان‌ها صعود و خروج می‌کنند]!

۴. ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْشُنَرُوا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾ (۳).

۱. سوره مائده، آیه ۳.

۲. سوره معارج، آیات ۱-۳.

۳. سوره بقره، آیه ۷۹.

۱۵۰ پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند!

در مجالسی که در سالیان گذشته برگزار شد، با براهین عقلی و نقلی ثابت نمودیم دو آیه‌ی ابتدایی، یعنی آیات تبلیغ و اکمال، بدون تردید، مربوط به واقعه‌ی غدیر است و به تمام شبهات اهل سنت در این زمینه، پاسخ گفتیم. بسیاری از دانشمندان و علمای اهل سنت، بر این باوراند که زمان نزول «آیه‌ی اکمال»، روز «هجدهم ذی الحجه» و شأن نزول آن به مناسبت انتصاب حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به ولایت و جانشینی رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و در این روز دین و نعمت‌های الهی توسط پروردگار کامل شده است<sup>(۱)</sup>. بعضی از علمای اهل سنت، شأن نزول این آیه را غیر از «روز غدیر خم» دانسته و می‌گویند: این آیه در روز عرفه و در صحرای عرفات، بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده است<sup>(۲)</sup>. اما تحقیق و بررسی در منابع تاریخی، حکایت از این دارد که حلقه‌ی نهایی این گفتار، عمر بن

۱. ۱. تفسیر ابن کثیر، جلد ۲، صفحه ۱۵؛ ۲. شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۲۰۰؛ ۳. روح المعانی، جلد ۶، صفحه ۱۹۲؛ ۴. الإیتقان، جلد ۱، صفحه ۳۱؛ ۵. الدر المنثور، جلد ۲، صفحه ۴۵۷؛ ۶. تاریخ بغداد، جلد ۸، صفحه ۲۸۴؛ ۷. تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲، صفحه ۲۳۳؛ ۸. مناقب خوارزمی، صفحات ۱۳۵ و ۱۸۴؛ ۹. تذکره الخواص، صفحه ۱۸؛ ۱۰. البداية والنهاية، جلد ۷، صفحه ۳۸۶؛ ۱۱. مناقب ابن مغازلی، صفحه ۱۸؛ ۱۲. ینابیع المودة، جلد ۲، صفحه ۲۴۹.

۲. صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه ۱۲۷؛ مسند أحمد، جلد ۱، صفحه ۲۸.

خطاب است و شخص دیگری، این واقعه را به روز عرفه نسبت نداده است<sup>(۱)</sup>. این عده، اگر بپذیرند که آیهی اکمال در «روز عید غدیر» نازل شده است، زیر بنا و بنیان مکتب خلافت نابود می‌شود؛ بنابراین سعی دارند شأن نزول آیه را روز دیگری وانمود کنند. نکته‌ی دیگر آنکه، اکثر علمای اهل سنت معتقداند «آیهی تبلیغ»، هنگام برگشت رسول خدا ﷺ از حجة الوداع، یعنی بعد از اتمام اعمال حج و در مسیر بازگشت به مدینه، نازل شده است<sup>(۲)</sup>. حال اگر آیهی اکمال، قبل از آیهی تبلیغ و در روز عرفه، نازل شده باشد، لازمه‌اش این است که هنوز دین الهی کامل نشده و دارای نقیصه است و رسول خدا ﷺ برای اکمال دین، باید مسئله‌ی دیگری را به مردم ابلاغ کنند؛ در حالی که خداوند در آیهی اکمال، می‌فرماید: دین الهی و نعمت‌های پروردگار، با ابلاغ ولایت حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ کامل می‌شود و رضایت خداوند در گرو دین کامل اسلام محقق می‌شود. با توجه به این نکته، علمای اهل سنت باید بپذیرند که آیهی اکمال بعد از آیهی تبلیغ، بر رسول خدا ﷺ نازل شده است، اگر چه آرا و نظریات مفسران اهل سنت، بیانگر صحت مطلب فوق است و آنان زمان نزول آیهی اکمال را، روز عید غدیر می‌دانند.

علامه امینی رحمته الله علیه در کتاب «الغدیر» سی منبع از منابع معتبر اهل سنت را جمع آوری نموده است<sup>(۳)</sup> که در آنها، علمای اهل سنت، زمان و مکان نزول آیات تبلیغ

۱. برای اطلاع بیشتر به کتاب «اکمال دین در غدیر، حقیقتی انکارناپذیر»، صفحه ۲۳، تألیف حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته مراجعه نمایید.  
 ۲. از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۲، صفحه ۵۲۸؛ تفسیر فخر رازی، جلد ۱۲، صفحه ۵۳؛ شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحات ۲۴۹ و ۲۵۸.  
 ۳. الغدیر، جلد ۱، صفحات ۲۱۴-۲۲۳.

۱۵۰ و اکمال را بعد از مراجعت رسول خدا ﷺ از مکه به سوی مدینه دانسته‌اند . همچنین ایشان ﷺ در این کتاب ، روایتی از محمد بن جریر طبری نقل می‌کند که شأن نزول آیات اکمال و تبلیغ را به خوبی آشکار می‌سازد .  
 با توجه به اینکه طبری در اوایل قرن چهارم از دنیا رفته است <sup>(۱)</sup> ، این روایت ، توسط علما و محدثان بزرگ اهل سنت در طول هزار سال ، به صورت فراوان در کتاب‌هایشان نقل شده است ؛ تا جایی که این روایت در کتاب تفسیر شیخ محمد عبده که در قرن سیزدهم می‌زیست ، موجود است . طبری در این روایت از زید بن ارقم <sup>(۲)</sup> نقل می‌کند :

لَمَّا نَزَلَ النَّبِيُّ ﷺ بِغَدِيرِ خُمٍ ، فِي رَجوعِهِ مِنْ حِجَّةِ الْوَدَاعِ وَكَانَ فِي وَقْتِ الضُّحَى وَحَرٌّ شَدِيدٌ ، أَمَرَ بِالدُّوْحَاتِ فَقَمَّتْ وَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً ، فَاجْتَمَعْنَا فَخُطِبَ خُطْبَةً بَالِغَةً ، ثُمَّ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ إِلَيَّ ﴿ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾ <sup>(۳)</sup> ، وَقَدْ أَمَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَنْ رَبِّي أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ وَأَعْلَمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ : « إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامَ بَعْدِي ، فَسَأَلْتُ جِبْرِئِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي رَبِّي ، لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُؤْذِنِينَ لِي وَاللَّائِمِينَ ، لِكَثْرَةِ

۱. او در سال ۳۱۰ هـ ق وفات کرد (معجم رجال الحديث ، جلد ۱۵ ، صفحه ۱۴۷) .

۲. او اهل مدینه بوده و در هفده غزوه از غزوات رسول خدا ﷺ شرکت داشته است . (تهذیب الکمال ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۰)

۳. سوره مائده ، آیه ۶۷ .

ملازمتی لعلی علیه السلام و شدۀ اقبالیه علیه حتی سمونی اذناً، فقال تعالی :  
 ﴿ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ  
 لَّكُمْ ﴾ <sup>(۱)</sup>. ولو شئت أن أسميهم وأدل عليهم، لفعلت ولكني بسترهم  
 قد تکرمت، فلم یرض الله إلا بتبلیغی فیہ .

زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم و در مسیر بازگشت از  
 حج آخرشان فرود آمدند و در حالی که هنگام ظهر بود و هوا به  
 شدت گرم بود، فرمان دادند تا همگان با بارهای شتران فرود آیند  
 و نماز جماعت به جای آوردند. سپس تمام افراد را جمع نمودند  
 و خطبه‌ی رسایی ایراد فرمودند. سپس فرمودند: همانا خداوند  
 متعال این آیه را بر من نازل کرد: « آنچه از طرف پروردگارت بر تو  
 نازل شده است، کاملاً به مردم برسان! و اگر نکنی، رسالت او را  
 انجام ندادی! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه  
 می‌دارد» جبرئیل از سوی پروردگام بر من فرمان داد که در این  
 مکان بایستم و به تمام افراد، اعم از سیاه پوست و سفید پوست،  
 این مطلب را اعلام کنم: « همانا حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام،  
 برادرم و وصی‌ام و جانشین‌ام و امام و پیشوای بعد از من خواهد  
 بود». سپس از جبرئیل خواستم تا از پروردگام درخواست کند  
 که مرا از انجام این فرمان معاف نماید، به دلیل اینکه می‌دانم  
 انسان‌های اهل تقوا کم‌شماراند و آزاردهندگان و سرزنش

۱. سوره توبه، آیه ۶۱.



۱۵۰ کنندگان من، پرشمار؛ زیرا همراهی و ملازمت من با علی عَلِيٍّ فراوان است و به شدت به او علاقه مندم تا جایی که مرا «گوش» نامیدند<sup>(۱)</sup>، خداوند متعال می فرماید: «از آن‌ها کسانی هستند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را آزار می دهند و می گویند: «او آدم خوش باوری است!» بگو: «خوش باور بودن به نفع شماست!» من اگر بخوام، ملامت گران و آزاردهندگان را نام ببرم و آنان را معرفی کنم، این عمل را انجام می دهم، و لکن من با پوشیده داشتن عیب آنان، اکرامشان نمودم. با این حال، خداوند راضی نشد (و عذر مرا نپذیرفت) مگر این که این حکم را ابلاغ کنم.

فاعلموا معاشر الناس! ذلك: فإن الله قد نصبه لكم ولياً وإماماً، وفرض طاعته على كل أحد، ماضٍ حكمه، جائز قوله، ملعون من خالفه، مرحوم من صدقه، اسمعوا وأطيعوا، فإن الله مولاكم وعليّ عَلِيٍّ إمامكم، ثم الإمامة في ولدي من صلبه إلى القيامة، لا حلال إلا ما أحله الله ورسوله، ولا حرام إلا ما حرّم الله ورسوله وهم، فما من علم إلا وقد أحصاه الله فيّ ونقلته إليه، فلا تضلّوا عنه ولا تستنكفوا منه، فهو الذي يهدي إلى الحقّ ويعمل به، لن يتوب الله على أحد أنكره ولن يغفر له، حتماً على الله أن يفعل ذلك أن يعذّبه عذاباً نكراً أبداً، فهو أفضل الناس بعدي ما نزل الرزق وبقي

۱. کنایه از اینکه حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در گفتار و رفتار خویش، به هدایت حضرت امیرالمؤمنین علی عَلِيٍّ عمل می کنند!

الخلق، ملعون من خالفه، قولی عن جبرئیل عن الله: ﴿وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾<sup>(۱)</sup>. افهموا محکم القرآن ولا تتبعوا متشابهه<sup>(۲)</sup> ولن یفسر ذلك لكم إلا من آنا آخذ بیده وشائل بعضده ومعلمکم، إن من كنت مولاه فهذا فعلي عليه السلام مولاه، وموالاته من الله عزوجل أنزلها علي. ألا! وقد أذيت، ألا! وقد بلغت، ألا! وقد أسمعت، ألا! وقد أوضحت. لا تحلّ إمرة المؤمنین بعدي لأحد غیره». ثم رفعه إلى السماء حتّى صارت رجله مع ركبة النبي صلی الله علیه وسلم وقال: «معاشر الناس! هذا أخي ووصيي وواعي علمي وخليفتي علي من آمن بي وعلى تفسير كتاب ربي».

پس ای مردم! این مطلب را بدانید که: همانا خداوند، علی عليه السلام را برای شما ولی و امام قرار داد، و اطاعت از فرمان او را بر همه‌ی افراد واجب کرد، فرامین او باید اجرا شود، گفتار او باید پذیرفته شود، هر کس با او مخالفت کند، خدا او را لعنت می‌کند؛ هر کس او را تصدیق کند، مورد رحمت خداست؛ بشنوید و اطاعت کنید. پس همانا مولای شما خداست و امام شما، علی عليه السلام است. سپس امامت در فرزندان من از صلب علی عليه السلام تا روز قیامت قرار دارد. هیچ حاللی نیست جز آنچه خدا و پیامبراش صلی الله علیه وسلم حلال

۱. سوره حشر، آیه ۱۸.

۲. زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۷). اما آن‌ها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات اند.

۱۵۰ می‌دانند، و هیچ حرامی نیست جز آنچه خدا و پیامبراش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و این چند نفر (امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام) حرام دانند. هیچ علمی در عالم آفرینش نیست، مگر اینکه خدا این علم را به من داده و من آن را به علی عَلَيْهِ السَّلَام منتقل کردم. پس از علی عَلَيْهِ السَّلَام گمراه نشوید و از او روی برنگردانید، اوست که به سوی حق هدایت می‌کند و به حق عمل می‌کند. خداوند هرگز توبه کسی که ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَام را انکار کند، نمی‌پذیرد و هرگز گناهان او را نمی‌بخشد؛ خداوند بر خود واجب کرده است که منکر ولایت را تا ابد عذاب کند. تا زمانی که خداوند روزی‌اش را نازل می‌کند و آفرینش باقی بماند، علی عَلَيْهِ السَّلَام بعد از من برترین مردم است، کسی که با او مخالفت کند ملعون است. این گفتار من از سوی جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام است که از طرف پروردگار آورده است: «هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است» محکومات قرآن را اخذ کنید و پیرو متشابهات نشوید، و متشابهات قرآن را هیچ کس نمی‌تواند برای شما تفسیر کند، مگر آن کسی که هم اکنون دست او در میان دستان من است و کسی که بازویش را در اختیار گرفتم و به شما نشان می‌دهم. همانا هر کس که من مولای اویم، پس این علی عَلَيْهِ السَّلَام مولای اوست، و ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَام از طرف پروردگار است که بر من نازل شده است. آگاه باشید! من وظیفه‌ام را ادا کردم؛ آگاه

باشد! آنچه را باید ابلاغ می‌کردم، ابلاغ کردم. آگاه باشید! آنچه که باید به گوش همگان می‌رساندم، رساندم. آگاه باشید! آنچه را که باید توضیح می‌دادم، توضیح دادم. حکومت بر مؤمنین، پس از من، بر هیچ فردی به غیر از علی علیه السلام جایز نیست. سپس علی علیه السلام را به سوی آسمان بالا بردند تا جایی که پای علی علیه السلام موازی با زانوان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت و فرمودند: ای مردم! این شخص، برادرم و وصی‌ام و خزانة دار علوم‌ام و خلیفه‌ی من است، بر هر شخصی که به من ایمان آورده است و جانشین من است بر تفسیر کتاب پروردگارم (تفسیر قرآن را فقط او می‌تواند انجام دهد).

وفي رواية: «اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهِ، وَعَادِ مِنَ عَادَاهِ، وَالْعَنِ مِنَ أَنْكَرِهِ، وَأَغْضِبْ عَلِيَّ مِنْ جَحْدِ حَقِّهِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عِنْدَ تَسْبِيْنِ ذَلِكَ فِي عَلِيٍّ علیه السلام ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾<sup>(۱)</sup> بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ كَانَ مِنْ وَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ إِلَى الْقِيَامَةِ ﴿أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾<sup>(۲)</sup>، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ علیه السلام مِنَ الْجَنَّةِ مَعَ كَوْنِهِ صَفْوَةَ اللَّهِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوا فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزَلْ أَقْدَامُكُمْ، فِي عَلِيٍّ علیه السلام نَزَلَتْ سُورَةُ ﴿وَالْعَصْرِ﴾ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي

۱۲ ۱. سوره مائده، آیه ۳.

۲. سوره توبه، آیه ۱۷.

۱۵۰. حُسْنٌ ﴿١﴾. معاشر الناس! آمنوا بالله ورسوله والنور الذي أنزل معه ﴿٢﴾ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرَدَهَا عَلَىٰ أَذْبَانٍ ﴿٣﴾ هم، ﴿٤﴾ أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ النَّارِ ﴿٥﴾. النور من الله فيّ ثم في عليّ عليه السلام ثم في النسل منه إلى القائم المهديّ (عجل الله تعالى فرجه الشريف). معاشر الناس! سيكون من بعدي ﴿٦﴾ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿٧﴾، وإن الله وأنا بريئان منهم، إنهم وأنصارهم واتباعهم ﴿٨﴾ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ ﴿٩﴾ (٥) (٦)».

و در روایت دیگری (حضرت صلی الله علیه و آله در ادامه فرمودند:) خداوندا! هر کس ولایت علی علیه السلام را بپذیرد، سرپرست او باش و هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند، با او دشمن باش و هر کس علی علیه السلام را انکار کند، او را لعن کن و بر کسی که به حق علی علیه السلام تجاوز کند، غضب ناک باش، خداوندا! همانا تو این آیه «دین را برای شما کامل کردم» را نازل فرمودی، آشکار ساختی که دین با امامت علی علیه السلام کامل می شود. هر کس به امامت علی علیه السلام و به فرزندان من از صلب او تا روز قیامت ایمان نیاورد، «اعمالشان

۱. سوره عصر، آیات ۲ و ۱.

۲. سوره نساء، آیه ۴۷.

۳. همان.

۴. سوره قصص، آیه ۴۱.

۵. سوره نساء، آیه ۱۴۵.

۶. الغدير، جلد ۱، صفحه ۲۱۴، به نقل از کتاب «الولاية في طرق حديث الغدير» تأليف محمد بن جرير الطبري.

نابود (و بی ارزش) شده و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند» همانا ابلیس حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را با اینکه برگزیده‌ی خداوند بود، به واسطه‌ی حسد از بهشت خارج کرد. پس بر علی عَلَيْهِ السَّلَامُ حسادت نکنید؛ زیرا حسادت موجب می‌شود تمام اعمال‌تان از بین برود و قدم‌هایتان دچار لغزش گردد. در مورد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ این سوره نازل شده است: «به عصر سوگند! \* که انسان‌ها همه در زیان‌اند» ای مردم! به خدا و رسول‌اش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان بیاورید و همچنین به نوری که به همراه رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل می‌شود ایمان بیاورید «پیش از آن که صورت‌هایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم یا آن‌ها را از رحمت خود دور سازیم، همان‌گونه که «اصحاب سبت» [گروهی از تبه‌کاران بنی اسرائیل] را دور ساختیم» آن نوری که از طرف خدا بود در من است، سپس به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ منتقل خواهد شد و همچنان بعد از او عَلَيْهِ السَّلَامُ، به نسل ایشان تا به حضرت قائم مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - منتقل شود. ای مردم! بعد از من «پیشوایانی خواهند آمد که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند و در روز رستاخیز یاری نخواهند شد!» و همانا خداوند و من از این پیشوایان، بیزاریم. همانا پیشوایان و پیروان و یاری‌کنندگان آنان «در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند».

همان طور که بیان شد، این روایت را طبری که جزو علمای مشهور اهل سنت است، نقل کرده است. خطیب بغدادی درباره‌ی او می‌گوید:

«كان أحد أئمة العلماء يحكم بقوله ويرجع إلى رأيه لمعرفته  
وفضله»<sup>(۱)</sup>.

او یکی از پیشوایانِ علما بود و به گفتار وی حکم می‌شود و به نظر او به خاطر معرفت و فضیلت‌اش رجوع می‌شود.

همچنین ذهبی در شرح حال طبری می‌نویسد: او دارای فضایل فراوانی است و به زهد و ترک از لذایذ دنیا شهرت دارد<sup>(۲)</sup>. غیر از طبری، سی‌تن از علمای اهل سنت، همانند خطیب بغدادی، شوکانی، ابن مردویه، حاکم حسکانی، بدرالدین ابن عینی، ابن عساکر و فخرالدین رازی<sup>(۳)</sup> اعتراف کرده‌اند که زمان نزول آیه‌ی تبلیغ، روز غدیر می‌باشد.

### فخر رازی و احتمالات ده گانه

فخرالدین رازی در ذیل آیه‌ی تبلیغ می‌نویسد:

«نزلت الآية في فضل علي بن أبي طالب عليه السلام ولما نزلت هذه الآية أخذ بيده وقال: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» فلقبته عمر، فقال: هنيئاً لك يا ابن أبي طالب عليه السلام!

۱. تاریخ بغداد، جلد ۲، صفحه ۱۶۱.

۲. تذکرة الحفاظ، جلد ۲، صفحه ۷۱۲.

۳. برای اطلاع بیشتر در مورد منابع و اقوال این روایان به کتاب الغدير، جلد ۱، صفحه ۲۱۶ مراجعه کنید.

أصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه» وهو قول ابن عباس  
والبراء بن عازب و محمد بن علی<sup>(۱)</sup>.

این آیه در مورد فضیلت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. هنگامی که این آیه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، ایشان دست علی علیه السلام را گرفتند و فرمودند: «هر کس من مولای اویم، پس علی علیه السلام نیز مولای او خواهد بود، پروردگارا! دوستان علی علیه السلام را دوست داشته باش و دشمنان او علیه السلام را دشمن بدار» در این هنگام عمر بن خطاب، حضرت علی علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: ای پسر ابی طالب علیه السلام! بر تو گوارا باد، تو مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان گشتی. این روایت را ابن عباس، براء بن عازب و محمد حنفیه نقل کردند.

علامه‌ی امینی رحمته الله علیه قائل است که غیر از اشخاص مذکور در روایت، افراد دیگری همانند زید بن ارقم، ابی سعید خدری، ابونعیم و حاکم حسکانی، روایت فوق را نقل کردند<sup>(۲)</sup>.

فخر رازی، شان نزول فوق را به عنوان یکی از احتمالات ده گانه در مورد نزول آیه‌ی تبلیغ نقل کرده است<sup>(۳)</sup> و احتمال فوق را آخرین احتمال (ضعیف‌ترین

۱. تفسیر رازی، جلد ۱۲، صفحه ۴۹.

۲. الغدیر، جلد ۱، صفحه ۲۲۶.

۳. او نزد اهل سنت به عنوان فردی عالم، متفکر و اهل تحقیق و تتبع در آیات قرآن، مشهور است و آنان کتاب تفسیر وی را بهترین و مرغوب‌ترین کتاب تفسیری می‌دانند.



احتمال) در مورد نزول آیه‌ی تبلیغ می‌داند! مهم‌ترین احتمالات وی در مورد نزول این آیه عبارت‌اند از:

«الأول: أتتھا نزلت في قصة الرجم والقصاص على ماتقدّم في قصة اليهود. الثاني: نزلت في عيب اليهود واستهزائهم بالذین والنبي ﷺ سكت عنهم. الثالث: لمتا نزلت آية التخيير، وهو قوله ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعِكُمْ﴾<sup>(۱)</sup> فلم يعرضها عليهنّ خوفاً من اختيارهنّ الدنيا، فنزلت. الرابع: نزلت في أمر زيد و زينب بنت جحش. الخامس: نزلت في الجهاد، فإنّ المنافقين كانوا يكرهونه، فكان يمسك أحياناً عن حتّهم على الجهاد. السادس: لمتا نزل قوله تعالى: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾<sup>(۲)</sup> سكت الرسول ﷺ عن عيب آلهم فنزلت هذه الآية»<sup>(۳)</sup>.

اول: همانا این آیه (آیه‌ی تبلیغ) در مورد داستان رجم و قصاص که قبلاً در قصه‌ی قوم یهود بیان شده بود، نازل شد. دوم: این آیه در مورد عیب جویی یهود و مسخره کردن دین اسلام که پیامبر ﷺ در برابر آنان سکوت کرده بود، نازل شد. سوم: هنگامی که آیه‌ی تخيير نازل شد و خداوند در این آیه فرمود: «ای

۱. سوره احزاب، آیه ۲۸.

۲. انعام، آیه ۱۰۸.

۳. تفسیر رازی، جلد ۱۲، صفحه ۴۹.

پیامبر! به همسران‌ات بگو، اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم» سپس حضرت ﷺ این آیه را بر زنان خود ابلاغ نکرده بودند، به دلیل اینکه می‌ترسیدند زنان‌شان دنیا را اختیار کنند، سپس این آیه نازل شد. چهارم: این آیه در مورد زید و زینب بنت جحش نازل شد. پنجم: این آیه در مورد جهاد نازل شد؛ زیرا منافقان به جهاد اکراه داشتند، پس حضرت ﷺ گاهی از برانگیختن آنان به جهاد، خودداری می‌کردند. ششم: به خاطر گفتار پروردگار نازل شد: «به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند» رسول خدا ﷺ از اهانت به خدایان مشرکان ساکت بودند، سپس آیه‌ی تبلیغ نازل شد.

غیر از فخر رازی، مفسر دیگری به نام نظام الدین نیشابوری، این احتمالات را نقل می‌کند و احتمال آخر را که در مورد امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است، ترجیح می‌دهد<sup>(۱)</sup>.

### پاسخ به سخنان فخر رازی

اشکالات فراوانی به احتمالات فخر رازی در مورد شأن نزول آیه‌ی تبلیغ، وارد است. اینک به چند مورد از این اشکالات اشاره می‌کنیم:

۱۵۰ **اشکال اول:** بر اساس احتمال اول، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ابلاغ احکام الهی - العیاذ بالله - تعلق<sup>(۱)</sup> نمودند؛ زیرا ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احکام رجم و قصاص را که از سوی پروردگار متعال نازل شده بود، برای مردم بازگو نکردند. آیا این رفتار با جایگاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مقام عصمت سازگار است؟

**اشکال دوم:** بر اساس احتمال سوم، زن سالاری آن چنان در منزل رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حکم فرماست که ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای از دست ندادن زنان شان، حکم الهی را ابلاغ نکردند؛ زیرا خداوند به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان داد که زنان شما، یا باید شما و خدا را ترجیح دهند یا دنیا را انتخاب کنند!

**اشکال سوم:** طبق احتمال چهارم، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاده‌ای از سوی خداوند است که برای بیان برخی احکام الهی، همانند اینکه پسر خوانده (زید) در حکم فرزند نمی‌باشد، خجالت می‌کشیدند و این حکم را ابلاغ نمی‌کردند! سپس خداوند به رسول اش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر کند که رسالتات را با عدم ابلاغ این حکم، به پایان نرساندی.

**اشکال چهارم:** بر اساس احتمال ششم، پیامبری که دین‌اش را بر اساس توحید بنیان نهاده است و بهترین سخنان را در مسئله‌ی توحید ایراد نموده است، هنگام مواجهه‌ی با مشرکان و دوگانه پرستان، کوتاهی می‌کند و پروردگار را از تمام نسبت‌های ناروای آنان، تنزیه و تطهیر نمی‌کند.

بنابراین فخر رازی در مورد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کاملاً اشتباه کرده است؛ زیرا

ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بدون هیچ ترس و واژه‌های، در مقابل مشرکان ایستادگی می نمودند و در مسیر تبلیغ دین مقدس اسلام، سختی‌های فراوانی را متحمل شدند. به عنوان نمونه، هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طائف رفتند، از ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با پرتاب سنگ استقبال شد؛ و در آغاز دعوت عمومی به اسلام ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در شعب ابی طالب محبوس نمودند؛ همچنین به دفعات متعدد، مشرکان قصد قتل ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را داشتند. با وجود بردباری‌ها و شهادت‌های فراوان حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آیا ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نعوذ بالله - می ترسیدند و حدانیت پروردگار را بیان کنند. فخر رازی در پایان می‌گوید:

« أَنْ الْأُولَى حَمَلَهُ عَلَى أَنَّهُ تَعَالَى آمَنَهُ مِنْ مَكْرِ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى،  
وَأَمْرَهُ بِإِظْهَارِ التَّبْلِيغِ مِنْ غَيْرِ مَبَالَاةٍ مِنْهُ بِهِمْ »<sup>(۱)</sup>.

همانا بهتر آن است که آیه را حمل کنیم بر اینکه خداوند متعال، رسول‌اش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از مکر یهود و نصاری در امان قرار داد و خداوند به ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر کرد که تبلیغ خود را بدون هیچ ترس و مسامحه‌ای از آنان، اظهار و آشکار کند.

این احتمال می‌تواند در سال‌های ابتدایی بعثت، قابل توجیه باشد؛ زیرا در آن زمان مشرکان، یهودیان و نصاری، متحد شدند تا دین اسلام را نابود کنند. اما با توجه به گفتار علمای اهل سنت، آیه‌ی تبلیغ در سال آخر حیات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده بود. در این زمان، ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با قبایل بنی قریظه، خیبر و غیر آن،

۱۵۰ جنگ نمودند و بر آن قبایل پیروز شدند. یهودیان و نصاری که در این جنگ‌ها مغلوب و مقهور شدند، خود را تسلیم پیامبر ﷺ می‌کردند و ایشان ﷺ را برای همه‌ی قبایل، حاکم تعیین می‌کردند. با این اوصاف، آیا پیامبر ﷺ در سال آخر حیات‌شان، از یهودیان و نصاری هراسی داشتند؟! علاوه بر این مطالب، شجاعت رسول خدا ﷺ زبانه‌ی تمام مردم بود. حضرت امیرالمومنین علیه السلام در مورد شجاعت رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«كُنَّا إِذَا احْمَرَّ الْبَأْسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ» (۱).

هر گاه آتش جنگ شعله می‌کشید، ما به رسول خدا ﷺ پناه می‌بردیم.

با توجه به آنچه بیان شد، آیا می‌توان چنین عالم و اندیشمندی را امام و پیشوا (امام فخر رازی) قرار دهیم و از نسبت‌های ناروایی که به رسول خدا ﷺ وارد نموده، صرف نظر کنیم؟! کینه‌توزی‌های این افراد نسبت به حضرت امیرالمومنین علیه السلام موجب پدیدار شدن حجابی ضخیم برای درک معارف الهی شده است و آنان را از رسیدن به عمق مطالب بازداشته است. عامل اصلی بیان احتمالات فراوان نسبت به واقعه‌ی غدیر، این است که آنان قصد داشتند مردم زمان خودشان و آیندگان را از واقعیت و حقیقت ولایت دور و بی‌اطلاع نگه دارند.

استدلالی که اهل سنت در مورد هراس رسول خدا ﷺ از یهودیان و نصاری

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۶۰؛ از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۵، صفحه ۱۶۸؛ مسند أحمد، جلد ۱، صفحه ۱۵۶.

بیان کردند، این است که چون این آیه در لابه لای آیاتی است که در آن یهودیان و نصاری مذمت و نکوهش شده‌اند، پس سیاق آیات نشان می‌دهد آیه‌ی تبلیغ نیز در مورد یهودیان و نصاری نازل شده است. در پاسخ می‌گوییم: تمام علمای شیعه و اهل سنت معتقداند چینش آیات قرآن به ترتیب نزول نیست؛ بلکه با ابلاغ فرمان الهی توسط جبرئیل بوده است. سیوطی در کتاب «الإنقان» می‌گوید:

«إن هذه الآية تكتب عقب آية كذا في سورة كذا»<sup>(۱)</sup>.

(جبرئیل به رسول خدا ﷺ اعلام می‌کرد:) این آیه بعد از فلان

آیه در فلان سوره نوشته شود.

اگر چینش سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول بود، باید سوره‌ی «علق» اولین سوره‌ی قرآن قرار می‌گرفت؛ زیرا سوره‌ی «علق» اولین سوره‌ای بود که بر قلب مبارک رسول خدا ﷺ نازل شد؛ یا سوره‌های کوچک در اواخر قرآن، باید جزو سوره‌های ابتدایی قرآن قرار می‌گرفت؛ زیرا این سوره‌ها در مکه بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد. بنابراین، سیاق آیات نمی‌تواند شاهی قطعی بر احتمالات اهل سنت در مورد آیه‌ی تبلیغ باشد. علاوه بر این مطالب، در متون اهل سنت، اخبار و روایات صحیح فراوانی یافت می‌شود که شأن نزول این آیه را به خوبی روشن می‌سازد.

در روایتی که از طبری نقل کردیم، بیان شد رسول خدا ﷺ دلیل هراس خود را در مورد ابلاغ و اعلام ولایت حضرت امیرالمومنین علیؑ این چنین بیان نمودند:

۱. الإنقان فی علوم القرآن، جلد ۱، صفحه ۱۷۰.

«لعلمي بقلة المتقين وكثرة المؤذنين لي»<sup>(۱)</sup>.

به خاطر اینکه می دانم متقیان کم اند و اذیت کنندگان به من بسیارند.

در روایت دیگری که در منابع شیعیان یافت می شود، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هراس خود را در ابلاغ ولایت، این چنین بیان می کند:

«لعلمي بقلة المؤمنين وكثرة المنافقين وإدغال الأثمين وختل المستهزئين بالإسلام»<sup>(۲)</sup>.

زیرا می دانم مومنین اندک و منافقین بسیارند و می دانم گناه کاران دغل باز می باشند و مسخره کنندگان به اسلام حيله گراند.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از گروهی می هراسیدند که با هم پیمان بستند تا امامت و حکومت از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خاندان شان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ منتقل نشود. حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمایند:

«كنتُ دخلتُ مع أبي الكعبة، فصلَّى على الرخامة الحمراء بين العمودين. فقال: في هذا الموضع تعاقد القوم إن مات رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أو قُتِلَ، ألا يردُّوا هذا الأمر في أحد من أهل بيته أبدا قال: قلت: ومن كان؟ قال: كان الأوَّل والثاني وأبو عبيدة الجراح وسالم ابن الحبيبة»<sup>(۳)</sup>.

۱. الغدير، جلد ۱، صفحه ۲۱۴.

۲. بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحه ۲۰۶.

۳. کافی، جلد ۴، صفحه ۵۴۵.

به همراه پدرم عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد خانه‌ی کعبه شدیم. سپس ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ بر روی سنگ قرمزی که میان دو ستون قرار داشت، نماز گزار شدند و فرمودند: در این جایگاه، قومی پیمان بستند که اگر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بمیرند یا کشته شوند، امر حکومت تا ابد، به هیچ شخصی از خاندان ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازنگردد. حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: به پدرم عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: این چند نفر چه کسانی بودند؟ ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ابو بکر و عمر بن خطاب و ابو عبیده جراح و سالم ابن الحبیبة.

قراردادی که در روایت فوق ذکر شد، نزد ابو عبیده جراح بود. او به سوی مکه روانه شد و نامه را در کعبه مخفی نمود. سپس، نماز صبح را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقتدا نمود. هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دیدند، این آیه را تلاوت نمودند<sup>(۱)</sup>:

﴿ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتُوا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا ﴾ (۲).

پس وای بر آن‌ها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از طرف خداست» تا آن را به بهای اندکی بفروشند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این می‌ترسیدند که بعد از ابلاغ حکم ولایت حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، دشمنان به پا خیزند و حریم نبوت را شکسته و در حضور

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۸، صفحه ۱۰۵.

۲. سوره بقره، آیه ۷۹.



ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شورش نمایند و اساس دین و دیانت را منهدم کنند؛ زیرا منافقان به کمک قریشیان و یهودیان قصد داشتند اساس دین اسلام را از بین ببرند. آنان حتی در برابر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مخالفت برخاسته و در حضور ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منازعه می‌کردند. نمونه‌ی آن زمانی است که حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بستر بیماری قرار داشتند. ابن عباس<sup>(۱)</sup> می‌گوید:

« لَمَّا حَضَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْوَفَاةَ، وَفِي الْبَيْتِ رِجَالٌ فِيهِمْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اَتْتُونِي بِدَوَاةٍ وَصَحِيفَةٍ، أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَضَلُّونَ بَعْدِي، فَقَالَ عُمَرُ كَلِمَةً مَعْنَاهَا أَنَّ الْوَجْعَ قَدْ غَلَبَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ قَالَ: عِنْدَنَا الْقُرْآنُ، حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ، فَاخْتَلَفَ مِنْ فِي الْبَيْتِ وَاخْتَصَمُوا، فَمِنْ قَائِلٍ يَقُولُ: الْقَوْلُ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمِنْ قَائِلٍ يَقُولُ: الْقَوْلُ مَا قَالَ عُمَرُ، فَلَمَّا أَكْثَرُوا اللَّغْظَ وَاللَّغْوَ وَالْإِخْتِلَافَ، غَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «قَوْمُوا، أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِنَبِيِّ أَنْ يَخْتَلِفَ عِنْدَهُ هَكَذَا»<sup>(۲)</sup>.

هنگام نزدیک شدن وفات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نزد ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مردانی از جمله عمر بن خطاب حاضر بودند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: جوهر و کاغذی برایم بیاورید، می‌خواهم برای شما مطلبی بنویسم که پس از من هرگز گمراه نگردید. عمر پس از

۱. وی پسر عموی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل مدینه بوده است. (تهذیب الکمال، جلد ۱۵، صفحه ۱۵۴)

۲. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، جلد ۶، صفحه ۵۱؛ با اندکی تفاوت: صحیح بخاری، جلد ۱، صفحه ۳۷.

فرمایش رسول خدا ﷺ جمله‌ای گفت. سخن وی این معنا را داشت که بیماری بر رسول خدا ﷺ غلبه نموده است. سپس گفت: قرآن نزد ماست و آن ما را کفایت می‌کند. پس از سخن عمر، میان حاضرین اختلافی ایجاد شد. برخی می‌گفتند: به فرمایش رسول خدا ﷺ عمل کنید و برخی می‌گفتند: سخن عمر درست است. هنگامی که درگیری، نزاع و اختلاف شدت گرفت، رسول خدا ﷺ غضبناک شدند و فرمودند: برخیزید! سزاوار نیست که نزد پیامبری این‌گونه اختلاف و نزاع شود.

با توجه به این مطالب، پیامبر ﷺ از خبث باطن این گروه آگاه بودند و می‌ترسیدند این حوادث در جمع یکصد هزار نفری در روز غدیر اتفاق بیفتد و اساس دین و مذهب دچار چالش جدی شود. اما پروردگار متعال به رسول خدا ﷺ فرمود:

﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>(۱)</sup>.

خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد. منظور از واژه‌ی «ناس» در آیه‌ی فوق، کافران هستند؛ زیرا خداوند در انتهای آیه می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

خداوند، جمیع کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.

۲۶ ۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

۲. همان.

۱۵۰ به هر حال، این واقعه در چنین روزی رخ داده است و شیعیان این عید را در طی قرون و اعصار متممادی، بزرگ می‌دادند. اهل سنت برای کم رنگ نشان دادن این روز، نسبت‌های ناروایی به شیعیان می‌دهند. آنان می‌گویند: «مذهب تشیع امروزی، مجعول سلسله‌ی صفویان است و دین اصلی، همان دینی است که اهل سنت آن را اختیار کرده‌اند». آنان چنین تبلیغ می‌کنند که صفویان، تشیع را ابداع کردند و دین را از مسیر و مسلک خود منحرف کردند. گروه دیگری از مخالفان شیعه نیز، شعائر شیعی را از بدعت‌های دیلیمان برمی‌شمردند؛ به عنوان نمونه، مقریزی در کتاب «الخطط» می‌نویسد: «عید گرفتن و بزرگ داشتن روز غدیر، از مبتدعات معزالدوله دیلمی (متوفی ۳۵۶ هـ.ق) است»<sup>(۱)</sup> (۲).

تناقض‌گویی‌های فراوانی در ثبت تاریخ و نظریات اهل سنت درباره‌ی واقعه‌ی غدیر، یافت می‌شود؛ تا جایی که هر طلبه‌ی مبتدی شیعه، می‌تواند ده‌ها اشکال به منقولات آنان وارد سازد. اهل سنت بر این باوراند معزالدوله‌ی دیلمی که در قرن چهارم می‌زیست، عید گرفتن روز غدیر را ابداع کرد؛ در حالی که «مسعودی» (متوفی ۳۴۶ هـ.ق) مورخ معروف اهل سنت که قبل از معزالدوله می‌زیسته است، در مورد روز عید غدیر می‌نویسد:

۱. الخطط (مقریزی)، جلد ۲، صفحه ۲۲۲.

۲. این افتخاری برای ایرانیان محسوب می‌شود. آنان در دوران حکومت دیالمه، مدافع شیعه بودند و با هدایت علمایی همانند شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ توانستند ریشه‌ی خاندان بنی‌عباس را از بین ببرند. دیلمیان، کارهای ارزشمند فراوانی انجام دادند. تعطیلی در روز عاشورا، نصب کردن پارچه‌های سیاه در خیابان‌ها و مغازه‌ها، بیرون آمدن دسته‌ها، اعلام رسمی عزاداری و به سر و سینه زدن به صورت آشکارا، از اقدامات مهم دیلمیان می‌باشد (المنتظم فی تاریخ الملوک والأئمة، جلد ۷، صفحه ۱۵).

« وولد علیّ وشیعته یعظّمون هذا الیوم »<sup>(۱)</sup>.

و فرزندان علی علیه السلام و پیروان او، این روز را عظیم و گرامی می‌دارند.

روایت دیگری نشان می‌دهد که عید گرفتن شیعیان در روز غدیر، در زمان حضرت امام صادق علیه السلام رواج داشته است. مفضل<sup>(۲)</sup> نقل می‌کند:

« قلتُ لأبی عبد الله علیه السلام: «کم للمسلمین من عید؟ فقال علیه السلام: أربعة أعیاد، قال: قلتُ: قد عرفت العیدین والجمعة. فقال علیه السلام لی: أعظمها وأشرفها یوم الثامن عشر من ذی الحجّة »<sup>(۳)</sup>.

به حضرت امام صادق علیه السلام عرض کردم: برای مسلمانان چند عید وجود دارد؟ حضرت علیه السلام فرمودند: چهار عید. مفضل گفت: به حضرت علیه السلام عرض کردم: دو عید (فطر و قربان) را با روز جمعه می‌دانم. حضرت علیه السلام به من فرمودند: بزرگترین و شریفترین عیدها، روز هجدهم ذی الحجّه (عید غدیر) است.

بر اساس مطالب فوق، اهل سنت باید بگویند: حضرت امام صادق علیه السلام که در قرن دوم زندگی می‌کردند، به دستور معزالدوله که در قرن چهارم می‌زیسته است، روز غدیر را به عنوان عید بزرگ شیعه اعلام نمودند!

۱. التنبیه والإشراف، صفحه ۲۲۲.

۲. او اهل کوفه بوده و کتاب «توحید» به وی منسوب شده است و از شاگردان حضرت امام صادق و حضرت امام کاظم علیهما السلام می‌باشد. (معجم رجال حدیث، جلد ۱۸، صفحه ۲۹۲)

۳. بحار الأنوار، جلد ۹۴، صفحه ۱۱۱.

ابوهریره نیز در اهمیت روز غدیر می‌گوید :

« مَنْ صَامَ يَوْمَ ثَمَانِيَةِ عَشْرِ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صِيَامَ سِتِّينَ شَهْرًا »<sup>(۱)</sup> .

هر کس روز هجدهم از ماه ذی الحجه را روزه بگیرد، خداوند برای او، روزه‌ی شصت ماه را محاسبه می‌کند.

حضرت امام رضا علیه السلام هنگامی که وارد شهر طوس شدند، اعلام نمودند که روز غدیر، روز عید اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است و مردم به صورت گروهی برای تبریک و تهنیت این روز، نزد حضرت علیه السلام مشرف می‌شدند<sup>(۲)</sup>.

بنابراین، انسان با تاملی کوتاه می‌تواند تحریف‌ها و تناقض‌گویی‌های اهل سنت در نقل وقایع تاریخی را به خوبی دریابد.

اهمیت بزرگداشت مناسبت‌های مذهبی در کلام علما پدیدار می‌شود. یکی از عالمان اهل سنت به علامه‌ی امینی رحمته الله علیه عرض کرد: چرا شیعیان واقعه‌ی عاشورا را بزرگ می‌شمارند و به آن اهمیت فراوانی می‌دهند؟ ایشان در پاسخ گفت: اگر واقعه‌ی عاشورا را بزرگ جلوه ندهیم، می‌ترسیم اهل سنت، اصل شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را منکر شوند. آن عالم گفت: ما می‌پذیریم که حضرت امام حسین علیه السلام توسط یزید به شهادت رسید. لذا لازم نیست این‌گونه مناسبت‌ها را تکریم کنید. ایشان گفت: شما در گذشته، سابقه‌ی انکار وقایع تاریخی را دارید و

۱. همان، جلد ۳۷، صفحه ۱۰۸.

۲. اقبال الأعمال، جلد ۲، صفحه ۲۶۱؛ عوالم العلوم، جلد ۳/۱۵، صفحه ۲۲۳.

واقعه‌ی غدیر را از کتاب‌هایتان حذف کرده و اصل واقعه‌ی غدیر را انکار می‌کنید؛ زیرا در نظر دارید زمان نزول آیه‌ی اکمال را به روز عرفه نسبت دهید.

اهل سنت در تلاشی دیگر برای تشکیک در مفهوم حدیث غدیر، واژه‌ی «مولا» در روایت را به محبت و دوستی معنا کردند<sup>(۱)</sup> و با این عمل قصد داشتند، ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار کنند. اما در مجالسی که در گذشته به این مناسبت اقامه کردیم، این شبهات را دفع نموده و ولایت به معنای سرپرستی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در حدیث غدیر ثابت نمودیم<sup>(۲)</sup>.

امیدواریم خداوند این عید را بر تمام مؤمنین، دوستداران و پیروان راستین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مبارک گرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱. مسند أحمد، جلد ۵، صفحه ۳۴۷؛ الدر المنثور، جلد ۵، صفحه ۱۸۲.

۲. برای اطلاع بیشتر به کتاب «اکمال دین در غدیر، حقیقی انکارناپذیر»، صفحه ۹۱، تألیف حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته مراجعه نمایید.

## خودآزمایی

- ۱) زمان و مکان نزول آیه‌ی ابلاغ و اکمال را بیان کنید؟
- ۲) چرا اهل سنت قصد دارند نزول آیه‌ی اکمال را به روز عرفه نسبت دهند؟
- ۳) اگر آیه‌ی اکمال، قبل از آیه‌ی ابلاغ نازل شده باشد، چه اشکالی پیش می‌آید؟
- ۴) چند احتمال از احتمالات فخر رازی در شأن نزول آیه‌ی ابلاغ را بیان کنید؟
- ۵) آیا بهانه‌جویی و تعلل در ابلاغ احکام الهی با جایگاه رسول خدا ﷺ سازگار است؟
- ۶) چند نمونه از مشقت‌های رسول خدا ﷺ در مسیر تبلیغ دین اسلام را ذکر کنید؟
- ۷) وضعیت قبایل یهود و نصاری در هنگام نزول آیه‌ی ابلاغ چگونه بود؟
- ۸) استدلال اهل سنت در مورد هراس پیامبر ﷺ از یهودیان و نصاری را بیان کنید؟
- ۹) چینش آیات الهی بر چه اساس می‌باشد؟
- ۱۰) دلیل هراس پیامبر ﷺ در ابلاغ ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیؑ چه بود؟
- ۱۱) اهل سنت، در مورد تشیع امروزی، چه نظری دارند؟
- ۱۲) اهل سنت، واژه‌ی «مولا» را در حدیث غدیر چگونه معنا می‌کنند؟

اشکالات فراوانی به احتمالات فخر رازی در مورد شأن نزول آیه ی تبلیغ، وارد است. اینک به چند مورد از این اشکالات اشاره می کنیم: اشکال اول: براساس احتمال اول، پیامبر ﷺ در ابلاغ احکام الهی العیاذ بالله - تعلل نمودند؛ زیرا ایشان ﷺ احکام رجم و قصاص را که از سوی پروردگار متعال نازل شده بود، برای مردم بازگو نکردند. آیا این رفتار با جایگاه رسول خدا ﷺ و مقام عصمت سازگار است؟ اشکال دوم: براساس احتمال سوم، زن سالاری آن چنان در منزل رسول خدا ﷺ حکم فرماست که ایشان ﷺ برای ازدست ندادن زنان شان، حکم الهی را ابلاغ نکردند؛ زیرا خداوند به پیامبر ﷺ فرمان داد که زنان شما، یا باید شما و خدا را ترجیح دهند یا دنیا را انتخاب کنند!

(صفحه ۱۸ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت : ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله بهرینی رحمته

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)